

## «گریز از اعتراف»

بازرگان، محمدنوید، «گریز از اعتراف» مهننامه (ماهنامه علوم انسانی)، شماره ۴۱ (ص ۸۲-۸۶).

### افسانه منفرد

محمدنوید بازرگان، در «گریز از اعتراف»، با مروری بر سنت آفرینش‌های ادبی در حوزه «ادبیات اعترافی»<sup>۱</sup> به ویژه در مغرب‌زمین، ابتدا به مهم‌ترین و مشهورترین این‌گونه آثار، به ترتیبی کم و بیش تاریخی، اشاره کرده و، ضمن توجه به خاستگاه‌ها و ریشه‌های این گونه ادبی در سخنان سقراط و آراء میشل مونتیئی<sup>۲</sup>، به بیان خصلت و ممیز این آثار، یعنی غور صمیمانه اثرآفرین در وجود خود و اقرار صادقانه و تسلی بخشی، پرداخته که مخاطب آن، نه تنها خداوند بلکه عامه مردم‌اند. این نوع ادبی پدیده‌ای است که به خصوص، پس از پاگرفتن اومانیزم<sup>۳</sup> و تسجیل حرمت و کرامت انسانی در دوره رنسانس، شکوفا گردید.

---

1) confessional literature

۲) Michel MONTAIGNE (۱۵۳۳-۱۵۹۲)، نویسنده مشهور فرانسوی.

3) humanism

نویسنده به آثاری چون اعترافات قدیس آوگوستینوس<sup>۴</sup>، ژان ژاک روسو<sup>۵</sup>، آلفرد دو موسه<sup>۶</sup>، توماس دوکوینسی<sup>۷</sup> و مترلینک<sup>۸</sup> اشاره می‌کند. و نیز به آثاری در نزدیکی کامل با موضوع آثار اعترافی یعنی حسب حال‌های خودنوشت نظیر سفر درونی<sup>۹</sup> از رومن رولان<sup>۱۰</sup> و اگر دانه نمیرد<sup>۱۱</sup> از آندره ژید<sup>۱۲</sup>.

سپس نویسنده از وضع و حال این گونه ادبی در ادبیات مشرق زمین به ویژه ایران سخن می‌گوید و اینکه چرا، در خود غور کردن و، به تعبیر ماریا برسیوس<sup>۱۳</sup>، «خواندن بی‌غرضانه دفتر هویت خویش» در ایران به ندرت به چشم می‌خورد. او به نمونه‌های نادر ادبیات اعترافی در ادبیات معاصر ایران نیز توجه کرده است - به آثاری همچون سنگی بر گوری از جلال آل احمد، برخی اشعار فروغ فرخزاد، و نیز نمونه ساده‌تر و خودمانی‌تر شما که غریبه نیستید از هوشنگ مرادی کرمانی که، در آن، اقرار به خطا جنبه‌ای ضعیف‌تر از صراحت در روایت دارد.

نویسنده، در بخشی دیگر، به جست‌وجوی زمینه‌های ادبیات اعترافی یا امتناع از آن در ادبیات کلاسیک فارسی می‌پردازد. او «قرار دادن تجربه‌های گناه‌آلود در معرض دید عامه» را نقطه مقابل ریاکاری شمرده و آن را به سنت ملامتی‌گری عارفانه نزدیک دانسته است. وی، به معارف بهاء‌ولد اشاره دارد که نویسنده، در جنب وصف خلسه‌های روحانی و مکاشفات معنوی، از حسادت‌ها، شهوات، ریاکاری‌ها، و ضعف‌های انسانی خود پرده برداشته است. به تشخیص او، سعدی، بیش از هر شاعر عارفی حتی بیش از مولانا،

۴) Saint Augustin (وفات: حدود ۶۰۵ م)، اسقف شهر کانترِبوری در انگلستان.

۵) J.-J. Rousseau (۱۷۱۲-۱۷۷۸)، نویسنده مشهور فرانسوی.

۶) Alfred de Musset (۱۸۱۰-۱۸۵۷)، شاعر و نویسنده مشهور فرانسوی.

۷) Thomas de Quincey (۱۷۸۵-۱۸۵۹)، اسی‌نویس انگلیسی.

۸) Maurice Maeterlinck (۱۸۶۲-۱۹۴۹)، نویسنده مشهور بلژیکی و فرانسه‌نویس.

۹) *Le voyage intérieur*

۱۰) Romain Rolland (۱۸۶۶-۱۹۴۴)، نویسنده مشهور فرانسوی.

۱۱) *si le grain ne meurt*

۱۲) André Gide (۱۸۶۹-۱۹۵۱)، نویسنده مشهور فرانسوی.

۱۳) Maria Brosius، ایران‌شناس، مؤلف *Women in Ancient Persia* که ترجمه آن، با عنوان زنان

هخامنشی، به همت انتشارات هرمس (تهران ۱۳۸۱) چاپ و منتشر شده است.

در سخنانش، خود را شناسانده است هرچند مولانا به فراست گوشزد می‌سازد که، در پوشیده داشتن خطا، «زیرکی‌های ابلیسانه‌ای» به کار است. نویسنده آشکارترین جلوه‌های نسبت اعتراف با سلامتِ نفس در شعر فارسی را داستانی شمرده که نظامی دربارهٔ تولد کودک ناقص الخلقه‌ای از بطن بلقیس نقل کرده است.

نوید بازرگان، با ذکر این شواهد، بر ضرورت صداقت و اعتراف به کژی‌های درون برای دستیابی به شفای روح تأکید دارد. او به ناامنی اجتماعی و فضایی سرشار از دسیسه در تاریخ ایران اشاره می‌کند که عادت به کتمان را در مشرق‌زمین نهادینه ساخته است. حتی گرایش مفرط به صنعت ایهام در سخن فارسی، از دید مؤلف، ریشه در خلقیات فردی و اجتماعی و میل به کتمان دارد.

نویسنده، در پایان، با اختیار موضعی همدلانه با پدیدآورندگان ادبیات اعترافی، «اقرار به خطا بر بنیاد حرمتِ نفس» را سیرهٔ کسانی دانسته «که نفس خویش را سبکبار و آسوده می‌خواهند». در مقاله، سنت اعتراف در مذهب کاتولیک یکی از اسباب اقبال اروپائیان به این نوع ادبی شمرده شده است. اما، در این باب، نباید از نقش و نفوذ روانکاوی به‌ویژه آراء فروید در رابطهٔ اعتراف و درمان روانی غافل ماند. البته، در روان‌درمانی، اعتراف یا سخن گفتن از گره‌های روانی ارزشداوری در پی ندارد. در این چارچوب، تلاش بیمارِ روانی برای بیرون ریختن دردهای خود و مصون داشتنِ روان از سموم آن ضروری است. اگر بیمار دریابد که روان‌نژندی او زادهٔ خُرده‌ناکامی‌هایی در کودکی یا نتیجهٔ فی‌المثل ترس از پدر است، پوچی و بیهودگی آشفتگی‌ها و هیجانات بر او معلوم می‌گردد و از بهبود بهره می‌یابد. این عقده‌گشایی مقاومت درونی برای دستیابی به منشأ وازدگیِ دیرین را در هم می‌شکند و پالایش روانی حاصل می‌شود. به نظر فروید، آن که شرح زندگی خود را می‌نویسد، در واقع، به درمان خویش می‌کوشد و چه بسا خاطر پریشانش، بر اثر آن، آرام گیرد.

نفوذ این اندیشه در آثاری که پس از اشاعهٔ روانکاوی نوشته شده‌اند به خوبی دیده می‌شود به‌ویژه در آثاری که محور اعترافات سخن گفتن از ناهنجاری رفتاری باشد. از جملهٔ این آثار می‌توان به اعتراف یک صورتک<sup>۱۴</sup> از یوکیو میاشما<sup>۱۵</sup> اشاره کرد که،

14) *kamen no kokuhaku*

۱۵) Yokio Mishima (۱۹۲۵-۱۹۷۰)، نویسندهٔ ژاپنی.

در آن، راوی تمایلاتِ همجنس‌گرایانه خود را بی‌پروا فاش می‌کند؛ یا اثر روژه مارتِن دوگار<sup>۱۶</sup>، اعتراف در شمال آفریقا<sup>۱۷</sup>، که روایت عشق خواهر و برادر و زنانی با محارم است؛ اعترافات: بررسی جنون<sup>۱۸</sup> اثر آرتور سایمونز<sup>۱۹</sup> که نویسنده، در آن، ضمن تحلیل عینی جنون و روان‌پریشی از نوع جنون توأم با افسردگی شخص خود، سازوکار حساسیت و تخیل خویش را در دوره بیماری بازآفرینی کرده است.

درگونه دیگری از آثار اعترافی - که، در آن، صبغه اجتماعی و سیاسی بر باریک‌بینی‌های روانی می‌چربد - می‌توان نفوذ اندیشه‌های چپ به‌ویژه اصل انتقاد از خود را دید که در گروه‌های چپ تشویق می‌شود. حسب حال فِدریکو سانچز<sup>۲۰</sup> اثر خورخه سِپرون<sup>۲۱</sup> نمونه‌ای از این نوع آثار است. در ایران کژراهه نوشته احسان طبری را شاید بتوان از همین قماش دانست.

نوع دیگری از ادبیات اعترافی - ضمن آنکه، در آن، تجربه‌های شخصی نویسنده بر ملا می‌گردد - در قالب داستانی نقل می‌شود که، با ورود پاره‌ای عناصر تمثیلی در آن، صورت زمان پیدا می‌کند و در جرگه ادبیات تخیلی نیز جا می‌گیرد. در این روایت‌ها، نویسنده در پس قهرمان داستان پنهان است و راوی ماجرا را به صیغه اول شخص روایت می‌کند. این آثار بازتاب‌دهنده تجربه‌ها، احساس‌ها، و باورهای خالق آنها و حاوی نتایج تعمق موشکافانه در انقلابات روحی خود نویسنده است. سقوط<sup>۲۲</sup> آلبر کامو<sup>۲۳</sup>، قمارباز<sup>۲۴</sup> داستایووسکی<sup>۲۵</sup>، سیمای هنرمند در جوانی<sup>۲۶</sup> جیمز جویس<sup>۲۷</sup>، و در جست‌وجوی زمان

۱۶) Roger MARTIN du GARD (۱۸۸۱-۱۹۵۸)، نویسنده مشهور فرانسوی.

17) *Confidence Africaine*

18) *Confession: A Study in Madness*

۱۹) Arthur Symons (۱۸۶۵-۱۹۴۵)، شاعر و منتقد انگلیسی.

20) *Autobiographia du Federico Sanchez*

۲۱) Jorge Semprun (۱۹۲۳- )، نویسنده اسپانیایی و مبارز عضو حزب کمونیست که، در سال ۱۹۴۳،

به بازداشتگاه بوخنوالد منتقل شد.

22) *La Chute*

۲۳) Albert Camus (۱۹۱۳-۱۹۶۰)، نویسنده مشهور فرانسوی.

24) *Ig rok*

۲۵) Dostoievsky (۱۸۲۱-۱۸۸۱)، نویسنده مشهور روس.

26) *A Portrait of the Artist as a Young Man*

از دست رفته<sup>۲۸</sup> پروست<sup>۲۹</sup> در زمره این نوع آثارند.

باز، نوع دیگری از ادبیات اعترافی، به ویژه از حیث مطالعات ادبی و هنری، حایز اهمیّت است. تأکید نویسنده این نوع آثار بر تجربه خود است به عنوان خالق اثر ادبی یا هنری و روند خلاقیت او. نمونه‌ای از این نوع است حسب و حال گیلبرت کیت چسترتون<sup>۳۰</sup>، تاریخچه تحوّل فکری چسترتون و حاوی مضمون آثار او. جرج مور<sup>۳۱</sup>، در اعترافات یک مرد جوان<sup>۳۲</sup>، با لحنی دردناک و ناراضی و خشمگین. از طبیعت ناآرام و همواره ناراضی و ذایقه طبع حسّاس و پر از نیاز به ابراز سرّ ضمیر خود و از شکست‌های خویش در کار نقّاشی و روزنامه‌نویسی و رمان‌نویسی و نقد هنری سخن گفته است. همین کیفیت را کم و بیش در دفترهای یادداشت آندره والتیر<sup>۳۳</sup> و سکه‌سازان<sup>۳۴</sup> آندره ژید<sup>۳۵</sup> می‌توان سراغ گرفت که، در آنها، چند و چون نگارش آن آثار گزارش شده است.

نوعی دیگر از ادبیات اعترافی از این حیث اهمیّت دارد که تجارب نویسنده در آنها مصوّر گشته است. نمونه‌اش را در اعترافات یک تریاک‌خور انگلیسی<sup>۳۶</sup> اثر توماس دوکوئینسی می‌توان یافت که، در آن، نویسنده، با صراحت و صداقتی متقاعدکننده و بی‌طرفی متعادل بدون داوری احساسی درباره عمل خود، تنها تجربه‌ای انسانی (اعتیاد خود) را بازگو می‌کند. نزدیک به همین جنس است حسب حال اِدوآژد گیون<sup>۳۷</sup> (۱۷۹۵) که سابقه غنی پرورش اخلاقی و فکری نویسنده یعنی فضای خردگرا و آکادمیائی اروپای فنوودال را نشان می‌دهد. همچنین از این دست است حسب حال<sup>۳۸</sup> از سلیمان بن یوشع (۱۷۵۴-۱۸۰۰)،

۲۷) James Joyce (۱۸۸۲-۱۹۴۱)، نویسنده و شاعر مشهور انگلیسی.

28) *A la recherche du temps perdu*

۲۹) Marcel Proust (۱۸۷۱-۱۹۲۲)، نویسنده مشهور فرانسوی.

30) *Autobiography of Gilbert Keith Chesterton* [نویسنده مشهور انگلیسی]

۳۱) George Moor (۱۸۵۲-۱۹۳۳)، رمان‌نویس مشهور انگلیسی.

32) *Confessions of a Young Man* 33) *Cahiers d'André Walter*

34) *Faux-Monnayeurs*

۳۵) André Gide (۱۸۶۹-۱۹۵۱)، نویسنده مشهور فرانسوی.

36) *Confessions of an English Opium Eater*

37) *Autobiography of Edward Gibbon* [نویسنده مشهور انگلیسی]

38) *Leb ensgeschichte*

فیلسوف یهودی لیتوانیائی آلمانی زبان که تصویری زنده و واقعی از شرایط مادی و معنوی یهودیان در اروپای شرقی قرن هجدهم به دست می‌دهد.

ناگفته نماند که لحن همه آثار در حوزه ادبیات اعترافی جدی و تلخ و فراخواننده به تأملات درونی نیست. شماری از این‌گونه آثار گاه دارای لحنی طنزآمیز و شوخ و مشحون از داستان‌های جذاب است. از آن جمله است حسب حال بنجامین فرانکلین<sup>۳۹</sup> (۱۷۷۱) و اعترافات فلیکس کروول نیرنگ‌ساز<sup>۴۰</sup> اثر توماس مان<sup>۴۱</sup>. لحن شوخ و متفطن این آثار یادآور سبک مونتینی، از پیشکسوتان ادبیات اعترافی است که به تفاوت‌های انسانی با کنجکاوی موقرانه و استهزاآمیزی می‌نگریسته است.

با این همه، در پرتو طبیعت غالب ادبیات اعترافی یعنی درونگرایی عمیق که خصیصه بارز آثار رمانتیک قرن‌ها هجدهم و نوزدهم نیز شمرده شده است، همواره نوعی پیوند استوار میان آثار این نوع و آثار رمانتیک برقرار بوده است که در دو اثر مهم و شاخص، اعترافات<sup>۴۲</sup> روسو و اعتراف فرزند قرن<sup>۴۳</sup> آلفرد دوموسه، شاهد آنیم.

به رغم تنوع نظرگیر آثار اعترافی از حیث مایه‌های فکری و عاطفی و انگیزه‌های پدیدآورندگان آنها، هنوز شاخص‌ترین سبب نگارش آنها بروز نوعی تحوّل روحی و دگرگونی در حیات معنوی نویسنده است که نقطه اوج آن را در اعترافات قدیس آوگوستینوس<sup>۴۴</sup> و، متأخرتر از آن، در اعتراف من<sup>۴۵</sup> تولستوی<sup>۴۶</sup>، حاصل بحران روحی او در پنجاه سالگی، و یا حسب حال ژولین گرین<sup>۴۷</sup>، (که نزدیک‌ترین اثر به اعترافات قدیس آوگوستینوس دانسته شده و سرگذشت شوق نویسنده به نیل وصول به خداوند است) می‌توان سراغ گرفت.

خالی از فایده نخواهد بود که، در این فرصت، از یکی از تازه‌ترین و ناب‌ترین آثار در نوع ادبیات اعترافی یاد کنیم: نامه‌های مادر ترزا به کشیش اعتراف نیوش خود که، در مادر ترزا:

۳۹) *Autobiography of Benjamin Franklin* (۱۷۰۶-۱۷۹۰)، رجل سیاسی و نویسنده مشهور امریکایی].

40) *Bekermtnisse des Hochstaplers Felix-Krull*

۴۱) Thomas Mann (۱۸۷۵-۱۹۵۵)، نویسنده مشهور آلمانی.

42) *Confessions*                      43) *La confession d'un enfant du siècle*

44) *Confessions of Aurelius Augustinus*                      45) *Ispoved*

۴۶) Lev Tolstōi (۱۸۲۸-۱۹۱۰)، نویسنده مشهور روس.

47) *Autobiography of Julian Green* [نویسنده فرانسه‌زبان مشهور امریکایی]

یا و روشنائی من باش<sup>۴۸</sup> به ویراستاری بریان کولودیچ چوک<sup>۴۹</sup>، به چاپ رسیده است. ماتیو کم<sup>۵۰</sup>، رئیس گروه الهیات دانشگاه آو ماریای فلوریدا، آن را همطراز اعترافات قدیس آوگوستینوس تشخیص داده است. این نامه‌ها نشان می‌دهند که تیرزا در نبرد مداوم با غرور خود بود و احساس غیبت بارز خداوند در زندگی خویش را طی سال‌های دراز شرم‌انگیزترین راز حیات خود می‌دانست و آن را ظلمت دیرپا و برهوت می‌خواند. این اثر، به نحو تکان دهنده‌ای، از زندگی درونی یک قدیس عصر جدید صادقانه پرده برمی‌دارد. تجربه خاصی که می‌توان آن را حملات یأس مطلق<sup>۵۱</sup> و تهدید هراسناک بی‌معنائی کامل و چگونگی برخورد شجاعانه با آن شمرد یعنی قبول خویشتن خود به منزله وجود مقبول خداوند به رغم مقبول نبودن و باور صمیمانه به این سخن مونتینی. احتمالاً اصلی‌ترین انگیزه نویسندگان اعترافات - که کمال الهی و مطلق دروقف به این معنی است که چگونه به آن آرامشی می‌توان دست یافت که نشانه بارز فرزانی شمرده شده همچنین در تهوری که باعث می‌شود آسان به هدایت روح خود تن در داد و در آن شجاعتی که بتوان آنچه را در مقام انسان احساس شده، در مقام نویسنده، بیان کرد.

در ادبیات فارسی، موضع‌گیری متفاوتی در قبال اعترافات را می‌توان یافت. در مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری به تفاریق می‌خوانیم:

جز راست نباید گفت هر راست نشاید گفت.

الهی اگر با تو نمی‌گویم افکار می‌شوم، چون با تو می‌گویم سبکبار می‌شوم.

مهر از کیسه بردار و بر زبان نه

هرچه به زبان آید، به زبان آید.

این سخنان بیانگر رأی غالب درباره اعتراف و گفتن از خود است در محافل ادیبان و اندیشمندان حتی عارفانی که به صدق و صمیمیت شهرت دارند. در متون کلاسیک ادب فارسی به ندرت می‌توان به نمونه‌هایی از نوع ادبیات اعترافی برخورد. نزدیک به این نوع را در نمونه‌های اندکی چون تسلیة الإخوان جوینی و چند متن موسوم به تزوکیات حاوی یادداشت‌های روزانه برخی شاهان بابر، همچنین در حبسیه‌ها می‌توان یافت.

48) *Mother Teresa: Come Be My light*

49) Brian Kolodiejchuk

50) Mathew Lamb

51) Anfechtung

در حبسیه‌ها، شاعران از احوال خود در زندان سخن گفته‌اند و گاه علل و اسباب مصائب خود را بدون پرده‌پوشی و با لحنی تلخ بیان کرده‌اند که، در آنها، شباهت‌هایی با ادبیات اعترافی وجود دارد. به‌ویژه در حبسیه‌هایی که سراینده، بدون طلب بخشش، نهایت عصیان‌زدگی خود را بیان می‌کند. چنین مایه‌هایی را در اشعار مسعود سعد سلمان و یا میهمان این آقایان نوشته به‌آذین می‌توان باز شناخت.

آشنایی با ادبیات مغرب‌زمین و تحولات اجتماعی از اواخر قرن هجدهم به پدید آمدن چنین آثاری در ادبیات معاصر فارسی راه داد. سابقه این نوع آثار به عصر قاجار باز می‌گردد و، سوای آنچه نویسنده مقاله «گریز از اعتراف» آورده، می‌توان به آثاری چون آینه‌های دردار هوشنگ گلشیری، آن‌سال‌های احمد شاملو، و روزها در راه شاهرخ مسکوب اشاره کرد.

در تهیه این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- آریانپور، ا.ح.، فریدیسیم با اشاراتی به ادبیات و عرفان، تهران ۱۳۵۷.  
 آگوستین، اعترافات قدیس آگوستین، ترجمه سایه میثمی، تهران ۱۳۷۹.  
 برک، پیتر، مونتی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران ۱۳۷۳.  
 خواجه عبدالله انصاری، سخنان پیر هرات، به کوشش محمدجواد شریعت، تهران ۱۳۵۵.  
 تیلیش، پُل، شجاعت بودن، ترجمه مراد فرهادپور، تهران ۱۳۷۵.  
 نراقی، آرش، حدیث حاضر و غایب: مقالاتی در باب الهیات غیب، تهران ۱۳۹۰.  
 مهاجر، مهران و محمد نبوی، وزگان ادبیات و گفتمان ادبی، تهران ۱۳۸۱.  
 مقاله‌های «زندگی‌نامه خودنوشت» و «حبسیه» در فرهنگنامه ادبی فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، تهران ۱۳۸۱؛ مقاله‌های «حسب حال چسترتون»، «حسب حال فیدریکو سانچس»، «حسب حال فرانکلین»، «حسب حال گیبون»، «حسب حال میمون»، «اعترافات فلیکس کرول نیرنگساز»، «اعترافات یک تریاکی انگلیسی»، «اعترافات یک مرد جوان»، «اعتراف در شمال آفریقا»، «اعتراف من»، «اعتراف یک صورتک» در فرهنگ آثار شش‌جلدی، به سرپرستی رضا سیدحسینی، تهران ۱۳۷۸.

